



Convergence between free flow of information, ownership of information and governance

Mazyar Saeidi¹, Masoud Raei^{2*}, Faramarz Atrian³

1. PhD Student Department of Public International Law, Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

2. Professor Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

3. Assistant Professor Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 103-125

Article history:

Received: 10 May 2022

Edition: 27 Jun 2022

Accepted: 10 Aug 2022

Published online: 8 Nov 2022

Keywords:

Free Access to Information, Free Flow of Information, Intellectual Property, Sovereignty and Prohibition of Interference in the Affairs of Others

Corresponding Author:

Masoud Raei

Address:

Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-0494-5058

Tel:

09131949578

Email:

masoudraei@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The free flow of information faces challenges from two sides; The incompatibility of the right to free access to information with the right to own information, both of which are confirmed by human rights documents and international law and the effect of free dissemination of information on of "sovereignty" even though both are supported by international law.

Materials and Methods: This research is theoretical and based on descriptive-analytical method. The method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Findings: The upcoming research has firstly proven that the aforementioned incompatibility is not a conflict of rights, but rather a conflict in the enforcement position. Then, he has presented three solutions for the conflict between the right of "free access to information" and the right of "ownership of information".

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: In order to solve the conflict between the right to "disseminate information" and "sovereignty", it is possible to combine the two theories of "technological determinism" and "social constructionism". Finally, none of the rights of "dissemination of information" and "sovereignty" are absolute, but the sovereignty of governments must be considered in the process of disseminating information, and human rights and humanitarian rights must be respected in the process of exercising sovereignty.

Cite this article as:

Saeidi M, Raei M, Atrian F. Convergence between free flow of information, ownership of information and governance. *Economic Jurisprudence Studies* 2022-2023; *Review on New Researches of Jurisprudence and Law*.



دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

همگرایی میان جریان آزاد اطلاعات، مالکیت بر اطلاعات و حاکمیت

مازیار سعیدی^۱، مسعود راعی^۲، فرامرز عطریان^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۱. استاد گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۱. استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جریان آزاد اطلاعات از دو جهت با چالش‌هایی روبه‌روست؛ ناسازگاری حق دسترسی آزاد به اطلاعات یا حق مالکیت بر اطلاعات که هر دو مورد تصریح اسناد حقوق بشری و حقوق بین‌المللی است و تأثیر انتشار آزاد اطلاعات بر «حاکمیت» با اینکه هر دو، مورد حمایت حقوق بین‌الملل واقع شده‌اند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق، نظری و مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: پژوهش پیش‌رو، ابتدا ثابت نموده است که ناسازگاری مزبور نه از نوع تعارض حقوق، بلکه از باب تزامم در مقام اجراست. سپس برای تزامم حق «دسترسی آزاد به اطلاعات» و حق «مالکیت بر اطلاعات» سه راه حل ارائه نموده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: برای حل تزامم حق «انتشار آزاد اطلاعات» با «حاکمیت» می‌توان از تلفیق دو نظریه «جبرگرایی فناوری» و «ساخت‌گرایی اجتماعی» استفاده کرد. در نهایت، هیچیک از حق «انتشار اطلاعات» و «حاکمیت» مطلق نبوده بلکه در فرایند انتشار اطلاعات باید حال حاکمیت دولت‌ها ملاحظه و نیز در فرایند اعمال حاکمیت مراعات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۵-۱۰۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

واژگان کلیدی:

دسترسی آزاد اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات، مالکیت معنوی، حاکمیت

نویسنده مسؤل:

مسعود راعی

آدرس پستی:

ایران، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۳۱۹۴۹۵۷۸

کد ارکید:

0000-0002-0494-5058

پست الکترونیک:

masoudraei@yahoo.com

۱. مقدمه

اطلاعات، در عصر ارتباطات به عنوان مهم‌ترین منبع اقتدار ملی و فراملی تلقی می‌شود. درست است که به تعبیر مک‌لوهان «رسانه، خود پیام است» ولی اهمیت رسانه بیشتر بر محتوا و تحلیل محتوا استوار است. منظور از محتوا، اطلاعاتی است که از طریق رسانه انتقال می‌یابد و منظور از تحلیل محتوا، بررسی قاعده‌مند کمی و کیفی محتواست. برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌ها، تبادل اطلاعات مستلزم دو حق است؛ حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق انتشار آزاد اطلاعات. این دو حق در حقوق بین‌الملل عمومی به جریان آزاد اطلاعات موسوم است که البته با تحولاتی و گنجاندن قیود و شرایطی به آن، به «جامعه اطلاعاتی» شهرت یافته است. هر دو عرصه یاد شده با چالش‌هایی روبه‌روست؛ حق دسترسی آزاد به اطلاعات با مالکیت مادی یا معنوی بر اطلاعات و حق انتشار آزاد اطلاعات با حاکمیت کشورها ناسازگار است با این که تمام حقوق مزبور مورد تأیید اسناد حقوق بشری و حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. اما تعیین اینکه این ناسازگاری از نوع تعارض است یا تراحم در اجرا مهم است. تعارض وقتی محقق می‌شود که ناسازگاری دو چیز ناشی از تنافی دو دلیل باشد به گونه‌ای که مضمون هر دلیل، مدلول دلیل دیگر را نفی نموده و از نظر عرف جمع میان آن دو ناممکن است؛ مانند تعارض دو دلیل در واجب بودن یا واجب نبودن نماز جمعه؛ اما تراحم هنگامی است که بین دو دلیل ذاتاً تنافی وجود ندارد بلکه مکلف در مقام اجرا و امتثال امکان

عمل به هر دو تکلیف برایش محقق نیست؛ مانند تراحم وجوب نماز و وجوب نجات غریق در آن واحد.

سوال اساسی فراروی پژوهش این است که ناسازگاری حق انتشار و دسترسی به اطلاعات با حق مالکیت بر اطلاعات حق انتشار اطلاعات با حاکمیت کشورها از باب تعارض است یا تراحم؟ فرضیه ما این است که ناسازگاری میان حقوق یاد شده از باب تراحم در مقام اجراست.

۲. مواد و روش‌ها

موضوع مورد بحث فاقد سابق پژوهشی در این زمینه بوده و پژوهش نزدیک به آن بیشتر ناظر بر اصول حاکم بر جریان آزاد اطلاعات است و از این جهت می‌توان نوشتار حاضر را در حل ناسازگاری میان حقوق مزبور به ویژه حل این ناسازگاری بر مبنای تمایز میان تراحم و تعارض در نوع متمایز از پژوهش‌های دیگر دانست این تحقیق، نظری و مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، ناسازگاری میان جریان آزاد اطلاعات و مالکیت بر اطلاعات، نه از نوع تعارض حقوق، بلکه از باب تزامم در مقام اجراست. سپس برای تزامم حق «دسترسی آزاد به اطلاعات» و حق «مالکیت بر اطلاعات» سه راه‌حل وجود دارد: حل تزامم در مرحله تحقق حق، حل تزامم با رجوع به حقوق طبیعی و حل تزامم از طریق قوانین موضوعه. و برای حل تزامم حق «انتشار آزاد اطلاعات» با «حاکمیت» می‌توان از تلفیق دو نظریه «جبرگرایی فناوری» و «ساخت‌گرایی اجتماعی» استفاده کرد. در نهایت، هیچیک از حق «انتشار اطلاعات» و «حاکمیت» مطلق نبوده و لازم است، آن شرایط را ملاحظه نمایند که مهم‌ترین آن مراعات حال حاکمیت دولت‌ها در فرایند انتشار اطلاعات و نیز مراعات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در فرایند اعمال حاکمیت است.

۵. بحث

۵-۱. حق دسترسی آزاد انسان به اطلاعات
اطلاعات، هر نوع داده است که در اسناد مندرج باشد، یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره گردیده یا به هر وسیله دیگری ضبط شده باشد. (بند الف ماده ۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۸). دسترسی به این اطلاعات، مطابق اسناد متعدد داخلی یا بین‌المللی از حقوق اساسی انسان‌هاست. به عنوان مثال در نظام حقوقی ایران، مطابق ماده ۲ قانون فوق، بند ۲ اصل سوم قانون

اساسی، بند الف ماده ۳ قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۱۰ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷، مواد ۳۰ تا ۳۲ منشور حقوق شهروندی ۱۳۹۵ و برخی دیگر از مقررات قوانین داخلی بر حق دسترسی آزاد به اطلاعات تأکید نموده است.

در نظام بین‌الملل نیز مقرراتی وجود دارد که ناظر بر این حق است. به عنوان مثال ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس می‌تواند به هر وسیله که بخواهد بدون هیچ قید و محدودیت به مرزهای جغرافیایی، اخبار و افکار را مورد کنکاش قرار داده، دریافت نماید و انتشار دهد». تصریح این ماده از اعلامیه بر حذف مرزهای جغرافیایی در راستای دریافت اخبار و افکار و به‌طور کلی اطلاعات، حاکی از این است که از نظر امضاکنندگان این اعلامیه، حق دسترسی به اطلاعات محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور نیست و هرکس می‌تواند به اخبار و افکار در هر نقطه جهان دسترسی داشته باشد. ماده ۲۶ این اعلامیه نیز مستقیم یا غیرمستقیم به حق «دسترسی به تعلیمات عالی‌ه برای همه و بر اساس شایستگی هرکس» اشاره می‌کند. گو اینکه این ماده ناظر بر حق آموزش و پرورش است ولی همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این حق مستلزم دسترسی به اطلاعات از طریق آموزش عالی است. بند ۲ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز گو اینکه ناظر بر تعهد

کشورها درباره دسترسی عموم مردم به آموزش و پرورش به صورت رایگان، متساوی و بر پایه استعداد هرکس است ولی دسترسی عمومی به این حق مستلزم دسترسی به اطلاعات است. ماده ۱۵ این میثاق نیز به «آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقانه» اشاره کرده است. اما ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با صراحت بیشتری از آزادی «کسب و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه سرحدات آن، خواه شفاهاً یا مکتوب یا به صورت چاپ یا به وسیله هنر و یا هر وسیله دیگر» سخن به میان آورده است. البته بند ۳ این ماده این حق را تابع محدودیت‌های مصرح قانونی با توجه به «احترام به حقوق یا حیثیت دیگران» و «حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی» نموده است (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۲۲، ۱).

جوامع بشری است و برای اکتشاف و استفاده کشورها بر مبنای برابر آن‌ها و مطابق مقررات بین‌المللی و فارغ از هرگونه اختصاص ملی، آزاد است». (دپارتمان اطلاعات عمومی، ۲۰۰۴، ۱۳۳). منظور از «اختصاص ملی» هر نوع بهره‌برداری انحصاری از فضای ماورای جو می‌باشد (لاچس، ۱۹۹۷، ۹۵۱). در گزارش ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز به حق دسترسی آزاد به اطلاعات و رابطه آن با حق دانستن حقیقت اشاره شده و نیز در گزارش ۱۱ می ۲۰۱۶ این شورا به حق دسترسی آزاد به اطلاعات در فضای مجازی تأکید شده است.

۵-۲. از جریان آزاد اطلاعات تا جامعه

اطلاعاتی

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر را می‌توان پایه حقوقی جریان آزاد اطلاعات به شمار آورد؛ زیرا هر دو ماده مزبور، علاوه بر اینکه از حق دسترسی به اطلاعات سخن گفته‌اند، ناظر بر حق «اشاعه اطلاعات» نیز می‌باشند. به عبارت دیگر دو بعد جریان آزاد اطلاعات؛ یعنی دسترسی به اطلاعات و انتشار اطلاعات را شامل شده است. واژه‌های «هر-کس»، «اطلاعات و افکار»، «تمام وسایل» و «بدون ملاحظات مرزی» می‌تواند مستندی برای جریان آزاد اطلاعات در هر دو عرصه یاد شده، تلقی شود. با این حال، نظریه جریان آزاد اطلاعات از «شمال به جنوب» با مانع اقتصادی و از «غرب به شرق» با مانع فرهنگی روبه‌رو بود و همین امر منجر به

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۲۲، ۱).
 حق دسترسی عموم به اطلاعات مورد توجه برخی قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بوده است. به عنوان مثال در قطع‌نامه شماره ۱۷۲۱ سال ۱۹۶۱ آمده است: «ارتباطات ماهواره‌ای باید به صورت برابر و حتی‌المقدور جهانی در دسترس تمام مردم دنیا باشد». همچنین در قطع‌نامه ۱۸۰۲ سال ۱۹۶۲ بر ضرورت دسترسی کشورهای عضو سازمان ملل متحد به اطلاعات از طریق ارتباطات ماهواره‌ای کارآمد و مؤثر تأکید شده است. پیمان ۱۹۶۶ درباره اصول حاکم بر فعالیت کشورها در زمینه اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو شامل کره ماه استفاده و اجرام آسمانی دیگر نیز، مقرر داشته است: «فضای ماورای جو متعلق به تمام

پذیرش نظریه جریان آزاد اطلاعات و پی‌ریزی تفکر جریان آزاد و متعادل اطلاعات به جای آن سوق داد (خلفی، ۱۳۹۱، ۱۱۴).

یونسکو و جنبش کشورهای غیرمتعهد دو نهادی بودند که بیشترین تلاش‌ها را در تعدیل نظریه جریان آزاد اطلاعات انجام دادند. یونسکو در نشست‌های عمومی شانزدهم تا بیست‌ویکم خود طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در این مسیر گام‌های مثبتی برداشت از جمله در جریان اجلاس بیست‌ویکم در سال ۱۹۸۰ قطع‌نامه برقراری «نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات» را تصویب نمود که بر اساس آن، استقرار جریان آزاد اطلاعات باید براساس محو نابرابری و عدم تعادل ارتباطات و اطلاعات، آزادی مطبوعات و اطلاعات، تعدد منابع و مجراهای اطلاعات، توانایی کشورهای در حال توسعه برای بهبود وضع ارتباطات آنان در انطباق با نیازها و آرمان‌های ملی، احترام به هویت فرهنگی همه ملت‌ها و... صورت پذیرد. همچنین جنبش کشورهای غیرمتعهد در اجلاس سوم تا نهم خود به صورت جدی به موضوع جریان آزاد اطلاعات اهتمام نموده و کوشش‌هایی برای مقابله با تسلط کشورهای توسعه‌یافته بر اطلاعات و سوءاستفاده از آن به نفع خود و به ضرر کشورهای در حال توسعه و نهایتاً استقرار «نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات» انجام داد (خلفی، ۱۳۹۱، ۱۲۰-۱۱۵).

متعادل‌تر بودن نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات نسبت به نظریه جریان آزاد اطلاعات، رشد چشم‌گیر رسانه‌های جمعی، گرایش به تمرکز و در نتیجه کارایی بیشتر، فراملی بودن، فراگیرتر

مخالفت بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه با این نظریه شد. در گزارش کمیسیون بین‌المللی بررسی مسائل ارتباطات یونسکو به ریاست «شن مک براید» که با نام «یک جهان چندین صدا» منتشر شده، آمده است: «جریان اطلاعات برای آن که واقعاً آزاد باشد، باید دوطرفه باشد؛ تمرکز خبرگزاری‌ها، تسهیلات مخابراتی، رسانه‌های جمعی، منابع اطلاعاتی و سازندگان تجهیزات ارتباطی در شماری از کشورهای پیشرفته، در واقع جلوی هرگونه فرصت یک جریان آزاد را میان شرکای متساوی‌الحقوق می‌گیرد. در سطح ملی، اطلاعات از سطوح بالا به عموم مردم در پایین انتقال می‌یابد و در سطح بین‌المللی، از آن‌ها که دارای پیشرفته‌ترین وسایل هستند، به سوی آن‌ها که صاحب کم‌ترین وسیله هستند و از کشورهای بزرگ‌تر به سوی کشورهای کوچک‌تر منتقل می‌شود. این قبیل عدم توازن‌های کمی را می‌توان در تمام بخش‌های ارتباطات (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، فیلم، کتاب و نظیر این‌ها) یافت. تأثیر جریان یک‌طرفه در درون کشورهای در حال توسعه بسیار خوفناک است.» (شن مک براید، ۱۳۷۵، ۱۲۲-۱۲۰). جریان افقی اطلاعات از شرق به غرب و از غرب به شرق نیز بیشتر نگرانی‌های فرهنگی کشورهای در حال توسعه را در پی داشته است که گاه از آن به عنوان تهاجم فرهنگی یاد می‌شود. این نگرانی‌های فرهنگی در جریان آزاد غرب به شرق و آن نگرانی‌های اقتصادی در جریان آزاد شمال به جنوب، کشورهای در حال توسعه را به سوی عدم

بودن، تأکید بیشتر بر حفظ هویت ملی و فرهنگی، تکثر و سرعت بیشتر و مانند آن از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های نظم نوین اطلاعات و ارتباطات بود. با این حال آرمان‌گرایی و تأکید بر مفاهیم انتزاعی به جای عینی (مانند عدالت بیشتر، برابری افزون‌تر، هویت فرهنگی بیشتر)، مبالغه در تأثیر جریان افقی اطلاعات بر هویت فرهنگی، تداوم جریان عمودی اطلاعات، تجاری شدن اطلاعات و تأثیر آن بر محتوای اطلاعات و عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تعدد نظام‌های موجود در جهان از جمله نقدهایی بود که بر نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات وارد بود (خلفی، ۱۳۹۱، ۱۳۰-۱۲۴). و نهایتاً این نظریه نیز جای خود را «جامعه اطلاعاتی» داد که به باور هواداران این نظریه، برخی از مشخصه‌های آن عبارتند از: «روح جهانی‌سازی»، رضایتمندی از اهداف حاصله»، «دموکراسی مشارکتی»، «تحقق ارزش زمانی»، جامعه داوطلب، و «اقتصاد همیاری» (مولانا، ۱۳۸۱، ۷۷). در پاسخ به قطع‌نامه ۵۶/۱۸۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی» در دو مرحله اجرا شد؛ اجلاس اول از ۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو و اجلاس دوم از ۱۶ تا ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ در تونس برگزار شد. هدف اجلاس اول برداشتن گام‌های روشن در زمینه استقرار پایه‌های جامعه اطلاعاتی برای همگان با در نظر گرفتن منافع و نگرانی‌های تمام کشورها بود. اعلامیه اصول یکی از نتایج این اجلاس بود که به عنوان نقشه راه برای دستیابی به یک جامعه اطلاعاتی قابل دسترس برای همگان و بر پایه دانش مشترک بود.

دسترسی به اطلاعات، زیرساخت‌های اطلاعاتی، ایجاد اعتماد و امنیت در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، فعال کردن محیط زیست، تنوع فرهنگی و هویت، تنوع زبانی و محتوای محلی، ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی و مانند آن از جمله خط‌مشی‌های این اجلاس برای استقرار جامعه اطلاعاتی بود. دستیابی به توافقاتی درباره نحوه اجرای مصوبات اجلاس اول و تأسیس مجمع راهبردی اینترنت و مانند آن از جمله نتایج اجلاس دوم موسوم به اجلاس تونس بود. پس از آن همه ساله در ماه می با میزبانی اتحادیه بین‌المللی مخابرات نشست‌هایی با محوریت مدیریت اطلاعات برگزار می‌شود (سایت اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی، ۲۰۱۹، ۱). به نظر می‌رسد علی‌رغم آنکه جامعه اطلاعاتی برای رفع کاستی نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات شکل گرفت اما کاستی مزبور که همان آرمانی و انتزاعی بودن مفاهیمی چون عدالت، برابری، هویت فرهنگی و مانند آن همچنان برجای بوده و حتی برخی مفاهیم جدیدتر مانند ایجاد اعتماد و امنیت در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأکید به ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی نیز به مفاهیم قبلی افزوده شد.

۳-۵. تزاخم میان حق دسترسی آزاد به

اطلاعات و حق مالکیت بر اطلاعات

حق دسترسی آزاد به اطلاعات مستند به برخی اسناد حقوق بشری به ویژه ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر حقی غیر قابل انکار است ولی این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که آیا این حق با

اطلاعات یا مواد هم بشود» (سایت موسسه مطالعاتی و خدمات مشاوره‌ای مالکیت فکری مه‌سام، ۲۰۲۲، ۱).

اختلاف و ناهمخوانی میان دسترسی آزاد به اطلاعات و حق مالکیت بر اطلاعات منحصر به مقررات حقوق بشری یا حقوق بین‌المللی فوق نمی‌باشد، بلکه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نیز عملاً در دو زمینه با یکدیگر اختلاف دارند: نخست اینکه کشورهای در حال توسعه باور دارند که تأکید بیش از حد بر مالکیت معنوی بر اطلاعات به نفع کشورهای توسعه‌یافته است؛ زیرا عمده اطلاعات مورد نیاز بشر در دست کشورهای مزبور بوده و حق انحصاری بر این اطلاعات به زیان کشورهای است که در مسیر توسعه گام برداشته‌اند. در این زمینه می‌توان به مخالفت کشور مصر با موافقت‌نامه تریپس استناد نمود. کشورهای در حال توسعه، هم‌سنگ دانستن خود را با کشورهای توسعه‌یافته در موضوع یادشده ناروا می‌دانند؛ زیرا دسترسی به اطلاعات در فرایند ملاحظات مالکیت معنوی و کپی‌رایت مستلزم پرداخت هزینه است و «در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل سطح بالای درآمد مردم، این دسترسی امکان‌پذیر می‌باشد ولی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته حتی نهادها و مراکز علمی و تحقیقاتی از عهده تهیه این آثار بر نمی‌آیند... آنچه در این کشورها به پیچیدگی موضوع کمک می‌کند، این است که مقررات جهانی مربوط به کپی‌رایت کف حمایت و مرز پایینی آن را ترسیم می‌کند و نه سقف حمایت یا بلندای آن

حق مالکیت بر اطلاعات همخوانی دارد؟ اسناد حقوق بشری ضمن اذعان به حق دسترسی آزاد به اطلاعات، به حق مالکیت بر اطلاعات نیز تصریح نموده است. در بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس حق دارد از منافع معنوی و مادی ناشی از تولیدات علمی، ادبی و هنری که خود به وجود آورده است، حمایت شود». به رسمیت شناختن حق مالکیت بر تولیدات علمی، ادبی و هنری مفهومی عام است که در برگیرنده هر نوع اطلاعات در زمینه‌های مزبور خواهد بود.

به رسمیت شناختن حق مالکیت بر اطلاعات منحصر به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست. موافقت‌نامه ۱۸۸۶ برن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون جهانی ۱۹۵۲ درباره کپی‌رایت، موافقت‌نامه ۱۹۹۳ راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری موسوم به تریپس، معاهده ۱۹۹۶ WCT، معاهده ۱۹۹۶ WPPT و مانند آن مقررات صریحی درباره مالکیت بر اطلاعات و اختصاص آن به تولیدکننده اطلاعات وجود دارد. به عنوان مثال بند ۲ ماده ۱۰ موافقت‌نامه تریپس به حمایت از بانک اطلاعات اختصاص داده شده و مقرر داشته است: «جمع‌آوری داده‌ها یا مواد دیگر، چه در ماشین قابل خواندن باشد و چه در شکل‌های دیگر که به دلیل گزینش یا تنظیم محتویات آنها، تشکیل‌دهنده یک خلاقیت فکری هستند نیز باید مورد حمایت قرار گیرد. این حمایت تنها خود اطلاعات یا موضوعات را دربر نمی‌گیرد، بلکه باید بدون تبعیض شامل کپی‌رایت مربوط به خود

را. کشورها آزادند در قوانین خود یا با توافق‌های دو یا چندجانبه حمایتی قوی‌تر پیش‌بینی کنند و این همان رویه موسوم به فراترپس است که سطح حمایت (مثل افزایش مدت زمان) را افزایش می‌دهد یا از قلمرو و کارآیی محدودیت‌ها و استثنایها می‌کاهد.» (حبیبی مجنده، ۱۳۹۵، ۲۲).

با این حال نمی‌توان انتظار داشت کشورهای توسعه‌یافته اطلاعاتی را که حاصل دسترنج دانشمندان و صاحب‌نظران خود می‌باشد، رایگان در اختیار سایرین قرار دهند؛ زیرا این امر با اصول حقوقی پذیرفته شده توسط اکثر نظام‌های جهان به ویژه ملل متمدن، از جمله ممنوعیت دارا شدن بلاجهت در تنافی است.

در پاسخ به این سوال که آیا این ناسازگاری‌ها از نوع تعارض است یا تزامم، ابتدا باید تفاوت تعارض و تزامم روشن شود. مهم‌ترین تفاوت این دو در این است که تعارض در مقام ثبوت است و تزامم در مقام اثبات. به عبارت دیگر دو حکم وقتی با هم متعارض‌اند که در مقام وضع و تشریح قانون قابل جمع نیستند. علت این امر این است که در موارد تعارض، تعلق اراده مقنن به طور همزمان بر منع یا لزوم امری واحد محال است و از سوی دیگر مستلزم تکلیف مالایطاق است. به عبارت روشن‌تر، مقنن نمی‌تواند در مقام جعل حکم به طور همزمان بر چیزی امر کند در همان حال از آن منع نماید. در حالی که در تزامم، تنافی و ناسازگاری دو حکم، ناشی از عدم قدرت فرد بر انجام همزمان آن دو می‌باشد. به عنوان مثال با توجه به اینکه لزوم و وجوب نجات غریق، در مقام تعدد افراد در حال

غرق، در مقام عمل نمی‌توان مفاد تمام احکام را اجرا نمود و به اصطلاح اجرای هر حکم مزاحم اجرای حکم دیگر است ولی در مقام جعل حکم، وجوب غریق نسبت به هر فردی که در حال غرق است واجد مصلحت است (مظفر، ۱۴۱۵، ۱، ۲۹۶-۳۰۰) با این مقدمه کوتاه، می‌توان گفت ناسازگاری میان حق دسترسی عموم به اطلاعات و حق مالکیت بر اطلاعات، از باب تزامم است؛ زیرا عدم امکان جمع دو حق مزبور در مقام اجراست نه در مقام جعل و تشریح. به عبارت دیگر منعی برای وضع و استقرار دو حق مزبور در مقام تشریح قانونی وجود ندارد و تنها در مقام عمل است که اگر فردی با استناد به حق دسترسی به اطلاعات بخواهد از اطلاعات تولید شده توسط فرد دیگری استفاده نماید، با مانعی با نام «مالکیت تولیدکننده بر اطلاعات» مواجه می‌شود. به علاوه دو چیز وقتی با هم متعارض تلقی می‌شوند که بر متعلق واحد، اراده و کراهت اجتماع نمایند و ممنوعیت تعارض نیز ناشی از محال بودن اجتماع اراده و کراهت بر امر واحد است (حکیم، ۱۴۱۴، ۶، ۲۳) در حالی که، این جا درست است که موضوع حق، «اطلاعات» است و از این منظر متعلق واحد است ولی این متعلق واحد، از دو حیث متعلق حق واقع شده است یکی حق «دسترسی» به اطلاعات و دیگری حق «مالکیت» بر اطلاعات. کاملاً مشخص است که دسترسی دیگران به اطلاعات و مالکیت دارنده اطلاعات دو امر مستقل و مجزاست؛ بنابراین نمی‌توان تنافی میان این دو را از نوع تعارض دانست. همچنین در تعارض، مبتنی بر تکاذب دو

دلیل، حکم به سقوط هر دو حکم خواهد شد (همان، ۲۴). در محل بحث ما نیز اگر جمع میان حق دسترسی به اطلاعات و مالکیت بر اطلاعات را از نوع تکاذب دلیل و مستندات آن و در نتیجه تعارض آن دو بدانیم لازمه‌اش تساقط و انتفای دو حق مزبور خواهد بود؛ یعنی حق دسترسی به اطلاعات و حق مالکیت بر اطلاعات به دلیل تعارض، تساقط نموده و هر دو از میان بروند! نتیجه‌ای که هیچ حقوق‌دانی ملتزم به آن نخواهد شد.

۴-۵. حل تزامن «حق دسترسی آزاد به اطلاعات با «حق مالکیت بر اطلاعات»

۴-۵-۱. حل تزامن در مرحله تحقق حق

در علم اصول فقه، برای حل تزامن روش‌های متفاوتی بیان شده است؛ مانند ترجیح اموری که بدل شرعی عرضی ندارند؛ ترجیح اموری که مشروط به قدرت شرعی نیستند؛ ترجیح اموری که بدل شرعی طولی ندارند و مانند آن (کاظمی خراسانی، بی‌تا، ۳۲۱-۳۲۹). بدیهی است منظور از حل تزامن در موضوع نوشتار حاضر با این مرجحات متفاوت است؛ چرا که تزامن در این امور ناشی از تزامن دو دلیل شرعی در مرحله جعل از ناحیه شارع بوده و مرجحات مذکور بر مبنای اهم و مهم یا تقدم یا تأخر زمانی و مانند آن نیست (همان، ۳۲۹). به عبارت دیگر، در تزامن‌های مزبور تزامن دو حکم در مرحله جعل است اما تزامن حقوق یاد شده در موضوع این نوشتار در مرحله جعل نیست بلکه در مرحله تحقق حکم و به اصطلاح اصولیون در مرحله مجعول است (صدر، ۱۴۱۶، ۴، ۲۹۰). به

عبارت روشن‌تر در تنافی دو حکم در مرحله تحقق، اجرای یک حکم، موضوع حکم دیگر را از بین می‌برد. با نگاهی دقیق‌تر بر مقررات موجود در اسناد حقوق بشری این حقیقت روشن می‌شود که اگر شرایط اجرای هر یک از «حق دسترسی آزاد به اطلاعات» و «حق مالکیت بر اطلاعات» به خوبی مورد لحاظ واقع شود، مانع تحقق تزامن خواهد شد و اساساً نوبت به تزامن در مقام عمل نخواهد رسید. درست است که ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر از «دریافت اطلاعات و افکار با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی» سخن گفته است، ولی ماده ۲۹ این اعلامیه برای تمام حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه شرایط و قیودی را مطرح نمود و آن را مطلق رها نکرده است. بند ۲ ماده مزبور مقرر می‌دارد: «هرکس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند». بند ۳ ماده مزبور نیز مقرر داشته است: «این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد اعمال شوند». حاصل ماده مزبور این است که برای اعمال تمام حقوق مسلم انسان و از جمله حق دسترسی به اطلاعات، پنج محدودیت اساسی وجود دارد که عبارتند از: ۱- مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران، ۲- مراعات مقتضیات عادلانه اخلاقی، ۳- مراعات نظم عمومی، ۴- مراعات رفاه همگانی، ۵- عدم

بنابراین جایی برای تعارض، تزاخم یا تنافی و مانند آن نیست.

مطلق نبودن حق دسترسی عموم به اطلاعات را از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز می‌توان دریافت؛ زیرا گرچه بند (۱) و (۲) ماده ۱۹ میثاق از حق دسترسی عموم به اطلاعات سخن می‌گوید اما بند (۳)، این ماده اشعار می‌دارد: «اعمال حقوق مذکور در بند (۲) این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی». این محدودیت‌ها تقریباً مشابه همان محدودیت‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. با این تفاوت که در اعلامیه، عدم مخالفت با اهداف و اصول ملل متحد را نیز اضافه نموده است. گو اینکه برخی مصادیق این شرط کلی، در ماده ۲۰ میثاق ذکر شده که عبارتند از تبلیغ برای جنگ و دامن زدن به خصومت‌های قومی، نژادی یا مذهبی (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۲۲، ۱). بنابراین، اگر حق دسترسی به اطلاعات با توجه به قیود و شرایط آن اعمال شود، موضوع تعارض آن با مالکیت بر اطلاعات در مرحله تحقق، منتفی خواهد شد. اما راه‌های دیگری نیز وجود دارد که در مرحله اجرای حقوق مزبور می‌توان میان حق دسترسی به اطلاعات و مالکیت بر اطلاعات تعامل ایجاد نمود که به آن پرداخته خواهد شد.

مخالفت با اهداف و اصول ملل متحد (سایت سازمان ملل متحد جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۲۲، ۱) اگر شرایط پنج‌گانه فوق در مورد حق دسترسی آزاد به اطلاعات مورد توجه قرار گیرد، تنافی این حق با حق مالکیت بر اطلاعات در مرحله تحقق حق، منتفی خواهد بود؛ زیرا از شرایط تحقق حق دسترسی به اطلاعات این است که حقوق دیگران و مشخصاً در اینجا حق مالکیت افراد بر اطلاعات مراعات شود. این همان نتیجه‌ای است که برخی از نویسندگان حقوقی از آن به «رویکرد موسع» به حق دسترسی به اطلاعات یاد کرده و آن را مشروط به لزوم مراعات حقوق دیگران دانسته و بر این باورند که اساساً دسترسی آزاد به معنای دسترسی مجانی و رایگان به اطلاعات نیست بلکه باید برای آن هزینه معقول و متناسب پرداخته شود. (حبیبی مجنده، ۱۳۹۵، ۲۰) چه اینکه اگر دسترسی به اطلاعات مستلزم نقض آموزه‌های اخلاقی یا نظم عمومی یا رفاه همگانی بوده یا در تعارضی آشکار با اهداف و اصول ملل متحد باشد، اساساً به مرحله تحقق حق منتهی نخواهد شد تا سخن از رفع تنافی یا تزاخم آن با حقوق دیگر به میان آید. به عنوان مثال حق دسترسی به اطلاعات محرمانه مرتبط با حیثیت افراد در زیست خصوصی، در تعارضی آشکار با اصول اخلاقی بوده و اساساً حق نیست تا نوبت به تزاخم آن با مالکیت بر اطلاعات برسد. بنابراین، دسترسی به اطلاعات حقی مطلق نیست بلکه مشروط به قیود و شروطی است که در اسناد مزبور شمرده شده و در صورت عدم رعایت شرایط فوق، حقی برای هیچ کسی ایجاد نمی‌شود و

۵-۴-۲. حل تزامم از طریق مراجعه به اصول

حقوق طبیعی

گو اینکه در اکثر موارد می‌توان در مرحله تحقق حق، مانع تزامم حق دسترسی به اطلاعات و مالکیت بر اطلاعات شد ولی گاهی تزامم از این مرحله عبور می‌کند و به مرحله اجرای حق منتهی می‌شود. به عنوان مثال دسترسی به اطلاعات مشروط به مراعات حقوق دیگران و از جمله حق مالکیت تولیدکننده اطلاعات است و از سوی دیگر اگر حمایت از حق مالکیت بر اطلاعات نیز منوط به مراعات حق دسترسی به اطلاعات باشد، در عمل، اجرای هر یک از حقوق مزبور منوط به رعایت دیگری است و این تزامم در اجراست و منشأ آن دفاع هر کس از حق طبیعی خود است. با این توضیح که در نظریه قرارداد اجتماعی افرادی چون اسپینوزا، هابز و برخی دیگر از نمایندگان این نظریه، بر این باورند که انسان به اقتضای سرشت ذاتی‌اش از حقوق طبیعی برخوردار است و تأسی به حقوق طبیعی، به حکم طبیعت انسان دمساز با عقل است (هابز، ۱۹۸۳، ۱۸۱). در این صورت علت ایجاد تزامم در دو حق ناشی از این است عقل به مثابه یک مفهوم فراگیر و کلی و معطوف به منافع مشترک فرد و جمع مورد تردید واقع شده است (عبادیان، ۱۳۸۲، ۷۰).

در اینگونه موارد راه‌حل نظریه قرارداد اجتماعی برای برون‌رفت از مشکل تزامم حقوق، قدرت مشروع ناظر بر رفتار انسانی است. نگاه به مفهوم فراگیر عقل و توجه به منافع مشترک فرد و جمع مقتضی این است که ضمن ارج نهادن به حقوق

طبیعی فردی، به تعبیر برخی «انسان به مثابه انسان در وضعیت طبیعی نماند و از آن فراتر رود... انسان‌ها برای رهایی از درگیری در وضعیت طبیعی؛ راهی جز آن ندارند که حقوق طبیعی خود را بر آنچه اجتماع انسانی نام دارد، انتقال دهند و به آن کیفیت اجتماعی انسانی دهند» (عبادیان، ۱۳۸۲، ۷۱). در این صورت آنچه مورد حکم خرد عام است این است که باید دید دسترسی به اطلاعات یا مالکیت بر آن، کدام مقدم است، همان را در مرحله اجرا، پیاده نمود.

به علاوه قیود و شروط مندرج در اعلامیه و میثاق از ارزش یکسان برابر نیستند. بدیهی است اگر تأکید بیش از حد بر دسترسی به اطلاعات یا اصرار بر مالکیت بر اطلاعات منتهی به نقض اخلاق و نظم عمومی یا رفاه همگانی شود، این شروط بر هر شرط دیگری مقدم خواهد بود و منجر به محدودیت در اعمال و اجرای حق مزبور خواهند شد. به عبارت دیگر در مقام تعارض میان حق فرد و جامعه، عقل با مفهوم فراگیر خود، مراعات حقوق جمع را؛ به ویژه وقتی به نظم و اخلاق مرتبط باشد، در اولویت قرار می‌دهد. شاید تأکید بر اخلاق، نظم عمومی و رفاه همگانی و حتی اهداف و اصول ملل متحد ناشی از همین حقیقت باشد. در این صورت اگر فردی اطلاعاتی را تولید نموده است که برای رفاه جامعه جهانی مفید باشد و جامعه جهانی حاضر به احقاق حق مالکیت وی بر اطلاعات مزبور باشند، در عین حال تولیدکننده اطلاعات، بشریت را از دسترسی به آن‌ها با استناد بر مالکیت فردی خود

مرتبط با امنیت داخلی یا خارجی کشورها و مانند آن، ایجاد محدودیت یا ممنوعیت مالکیت بر اطلاعاتی که برای سلامت جسمی و روحی آحاد بشری لازم و ضروری است، ایجاد ممنوعیت مالکیت اختصاصی بر اطلاعات در قلمروی که میراث مشترک بشریت تلقی می‌شود مانند فضای ماورای جو و یا اعماق دریاها و مانند آن، می‌تواند در حل تزاخم میان حق مالکیت بر اطلاعات و حق دسترسی آزاد به اطلاعات کمک نماید.

۵-۵. تزاخم انتشار آزاد اطلاعات و حق

حاکمیت

همانطور که ناسازگاری میان حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق مالکیت از باب تزاخم دو حق بود نه تعارض آن دو، تنافی میان انتشار آزاد اطلاعات و حاکمیت نیز از نوع تعارض در حکم یا تعارض در حقوق نیست بلکه از نوع تزاخم در مقام اجراست؛ زیرا هر دو در مقام جعل و تشریح، دارای مصلحت بوده و مربوط به دو نهاد حقوقی مستقل است که در مقام اجرا گاهی با یکدیگر برخورد نموده و هر کدام مانعی بر سر راه اجرای دیگری ایجاد می‌نمایند. چه اینکه قایل شدن به تعارض این دو از باب تکاذب دلیل هر دو، مستلزم تساقط هر دو حق خواهد بود؛ یعنی هم حق انتشار آزاد اطلاعات و هم حق حاکمیت دولت‌ها هر دو از میان برود که بطلان چنین نتیجه کاملاً واضح است. با این مقدمه کوتاه به تشریح تزاخم میان این حق انتشار آزاد اطلاعات و حق حاکمیت پرداخته می‌شود.

محروم می‌نماید، در مقام تزاخم این دو حق لاجرم این حق مالکیت است که محدود یا ملغی می‌گردد.

۵-۴-۳. حل تزاخم از طریق حقوق موضوعه

حقوق فطری بشر و از جمله حق مالکیت بر اطلاعات تولیدشده توسط وی و حق دسترسی وی به اطلاعات اگر بخواهد به صورت نهادینه ظهور نموده و به طور کامل احقاق گردد، مستلزم گنجاندن در قالب مقررات است. گاه به منظور گریز از تزاخم دو حق مزبور، گزیری جز وضع قوانین ملی یا فراملی نیست. در این باره درست است که اسناد حقوق بشری هر دو حق مزبور را مقید به قیودی نموده و تلاش کرده است در مرحله تحقق حق مانع تزاخم حقوق گردد ولی می‌توان با وضع مقررات دقیق‌تر، هم در عرصه حقوق داخلی و هم در عرصه حقوق بین‌الملل به برخی از این ناهمگونی‌ها پایان داد. به عنوان مثال به نظر می‌رسد کاهش دوره مرور زمان در اعمال مالکیت معنوی و مادی بر اطلاعات تولیدشده، می‌تواند یکی از راه‌های حل تزاخم این حق با حق دسترسی به اطلاعات شود. از قضا در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا مالکیت معنوی را محدود به دوره خاصی از زمان نموده‌اند. ماده ۱ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای یارانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، مالکیت مادی بر این تولیدات را ۳۰ سال از زمان تولید دانسته است (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۲۲، ۱). توضیح آنکه ایجاد محدودیت در حق دسترسی به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد، و همچنین دسترسی به اطلاعات فوق سری

می‌دهند. در بعد بین‌المللی نیز بخش‌های بیش‌تری از تعاملات و ارتباطات از کنترل دولت خارج می‌شود و واحدهای ارتباطی بین‌المللی روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کنند و به عنوان سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران مستقل از دولت‌ها وارد عرصه‌ی جهانی می‌شوند. برخی مانند «مانوتل کاستلر» تأثیر انتشار آزاد اطلاعات بر ابعاد سیاسی حاکمیت را چنان مهم جلوه می‌دهند که فضای باز سیاسی و آزادی رسانه‌های گروهی را که به دست گورباچف صورت گرفت عامل از بین رفتن مشروعیت ساختار قدرت ریشه‌دار شوروی سابق می‌دانند (کاستلر، ۱۳۸۰، ۳، ۶۹).

در تأثیر انتشار آزاد اطلاعات بر ابعاد اجتماعی حاکمیت نیز باید گفت «فن‌آوری نوین ارتباطات، مخصوصاً وسایل ارتباطی جدیدتر؛ مانند ماهواره، کامپیوتر و اینترنت منجر به آگاهی بیش‌تر ملت‌ها از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یکدیگر می‌شود. در نتیجه سطح عمومی انتظارها بالا می‌رود و موجب افزایش تقاضا می‌شود. این وضعیت اجتماعی که از آن به عنوان «انفجار انتظارها» یاد می‌شود، ممکن است بحران‌های عظیم اجتماعی و حتی سیاسی برای کشورها به وجود آورده و حاکمیت ملی را مخدوش کند». (خلفی، ۱۳۹۱، ۱۳۸).

بی‌هیچ تردیدی، دریافت و انتشار اطلاعات به ویژه از طریق ماهواره‌های جاسوسی می‌تواند بیشترین تأثیر را در بعد نظامی حاکمیت داشته باشد. سازمان اطلاعات آمریکا و شورای امنیت با مغزهای الکترونیکی که در اختیار دارند، می‌توانند

مخالفان جریان آزاد اطلاعات به ویژه در بخش انتشار آزاد اطلاعات بر این باورند که انتشار آزاد اطلاعات با حاکمیت دولت‌ها در تضام است. اگر حاکمیت ملی «قدرت نفوذ یک کشور بر مسیر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی آن» دانسته شود (مولانا، ۱۳۷۱، ۱۳۳)، دسترسی به اطلاعات بر این قدرت می‌افزاید و بدیهی است در بسیاری موارد انتشار اطلاعات از سوی کشورهای توسعه‌یافته به نفع تقویت حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه خواهد بود؛ زیرا هرچه اطلاعات یک کشور افزون گردد، قدرت نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز افزوده خواهد شد. اما کشورهای در حال توسعه در روبه‌رو شدن با جریان آزاد اطلاعات به ویژه در بخش انتشار آزاد اطلاعات، نگران کاهش قدرت نفوذ خود در عرصه‌های یاد شده می‌باشند.

در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل از دو الگوی رفتاری؛ یعنی الگوی رفتار مبتنی بر قدرت و الگوی رفتار مبتنی بر ارتباطات اثر می‌پذیرد (اخوان، ۱۳۷۴، ۶۷). برعکس الگوی نوع اول که قدرت عمده در دست دولت است، در الگوی نوع دوم از قدرت دولت کاسته شده و بازیگران متعددی به ویژه دارندگان اطلاعات پا به عرصه جهان سیاست گذاشته‌اند. در این صورت اهمیت حاکمیت، هم از نظر داخلی و هم از نظر خارجی کاسته می‌شود. در بعد داخلی، هرچه ارتباطات جنبه بین‌المللی به خود می‌گیرند، به همان اندازه بخش‌های عمده‌ای از ارتباطات داخلی از کنترل دولت خارج می‌شود و دولت‌ها توان کنترل شهروندان خود را از دست

ارتعاش‌های نامریی شیشه‌های پنجره هر اتاقی را که در آن گفت‌وگویی هر چند محرمانه صورت گیرد، ثبت کنند و این ارتعاش‌ها به وسیله تحلیل‌گران، ریاضی‌دانان و کارشناسان متخصص خوانده می‌شود. آمریکایی‌ها با این روش به راحتی توانستند گفت‌وگوهای محرمانه یاسر عرفات و صدام حسین را قبل از حمله صدام به کویت بشنوند که در آن صدام به عرفات گفته بود: «به کویت برو و به امیر آن بگو اگر ده میلیارد دلار مورد مطالبه من را بدهد، تحرک نظامی را متوقف می‌کنم.» (پیر سالینجر، ۱۳۷۴، ۷۱).

اثرپذیری ابعاد اقتصادی حاکمیت از انتشار آزاد اطلاعات را در جریان عمودی اطلاعات باید جست. جریان آزاد شمال به جنوب اطلاعات به شدت موجب نگرانی کشورهای در حال توسعه است؛ هم از این روی که اطلاعات به مثابه یک کالای اقتصادی در عصر ارتباطات می‌تواند دارنده آن (عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته) را به قدرتی بی‌بدیل در عرصه اقتصاد جهانی تبدیل کند و هم از این روی که در شیوه استفاده از اطلاعات در گستره صنعت، کشاورزی، محیط زیست، هواشناسی، کنترل کشتی‌های تجاری، حوادث غیرمترقبه و مانند آن نگرانی‌های حاکمیتی برای کشورهای در حال توسعه ایجاد شود. کشورهای توسعه‌یافته اطلاعات خام را از کشورهای در حال توسعه دریافت و پس از تجربه و تحلیل آن به خود کشورهای در حال توسعه به قیمت بسیار بالایی می‌فروشند و از این رهگذر فاصله اقتصادی شمال و جنوب روزافزون شده و منجر به سلطه اقتصادی

کشورهای در حال توسعه و تضعیف ابعاد اقتصادی حاکمیت در کشورهای در حال توسعه خواهد شد. یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه، تأثیرات انتشار آزاد اطلاعات در ابعاد فرهنگی حاکمیت است. در جریان افقی اطلاعات یا جریان غرب به شرق و برعکس، کشورهای در حال توسعه با موضوعی به نام تهاجم فرهنگی مواجه‌اند. «بهره‌مندی تبلیغات از وسایل ارتباط جمعی بسیار زیاد است. وسایل ارتباطی مورد استفاده در تبلیغات عبارتند از: موجودات زنده مانند: تجار، دانش‌جویان، اعضای نمایندگی‌های سیاسی و...؛ مرسولات پستی؛ کتب چاپی؛ ارتباطات دوربرد؛ شامل تلگراف، تلفن و...؛ پخش رادیویی؛ به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی صوتی؛ تلویزیون؛ به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی تصویری و فیلم‌های سینمایی» (موریتی، ۱۹۸۹، ۵۳). بیشترین نشر اطلاعات فرهنگی و عقیدتی در حال حاضر از طریق ماهواره و اینترنت صورت می‌گیرد. «یوروویژن در ژنو برای تبادل برنامه بین کشورهای اروپایی، اینترویژن در پراگ برای تبادل برنامه بین کشورهای اروپای شرقی؛ نوردویژن برای تبادل بین سوئیس، نروژ، دانمارک، فنلاند و ایرلند؛ مغرب‌ویژن برای تبادل برنامه بین مراکش، تونس و الجزایر و موندویژن برای پخش و تبادل برنامه در سرتاسر جهان» (العوینی، ۱۳۶۹، ۱۲۷) و مانند آن، نمونه‌هایی از به کارگیری انتشار اطلاعات در راستای ترویج اعتقادات و فرهنگ است. استفاده از ابزار اطلاعات و ارتباطات به منظور ترویج عقیده، فرهنگ و حتی مذهب چنان رایج شده است که

بهره گرفتن از شیوه‌های بازاریابی غیرمستقیم و چه بسا مستقیم بدین منظور پیشنهاد شده است (کانسیدین، ۱۹۹۴). بیگانگی فرهنگی ناشی از جریان آزاد اطلاعات از جمله مواردی است که در گزارش «شن مک براید» نیز منعکس شده است. این گزارش تأثیرات جریان آزاد اطلاعات به ویژه در عرصه ارتباطات ماهواره‌ای را تنها شامل کشورهای در حال توسعه ندانسته و شمول آن را حتی به «جوامع صنعتی» نیز تسری داده است. (مک‌براید، ۱۳۷۵، ۱۳۴).

بنابراین، در تمام ابعاد فوق انتشار آزاد اطلاعات می‌تواند حاکمیت کشورها را متأثر سازد و حتی برخی بر این باورند که کارکرد فن‌آوری نوین اطلاع‌رسانی، (از جمله انتشار آزاد اطلاعات) می‌تواند تهدید بر صلح قلمداد شود. زیرا هر چند کارکرد این فناوری با اشکال سنتی تهدیدکننده صلح از قبیل انباشت تسلیحات هسته‌ای و مانند آن متفاوت است لکن می‌تواند در روابط بین‌الملل وضعیت بحرانی ایجاد کند که محتمل است این وضعیت، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند (شریف، ۱۳۸۰، ۲۸۳). تمام نگرانی‌های یاد شده از جریان آزاد اطلاعات را می‌توان در این جمله والتز بوکینگ‌هام خلاصه نمود که می‌گوید: «تعداد بسیار معدودی از ما متوجه هستیم که فناوری، در همان حال که مسایل کهن بی‌شماری را حل می‌کند، مسایل بسیار و جدیدی را به وجود می‌آورد. همه پیشرفت‌های فناورانه سود خالص نیست.» (مولانا، ۱۳۸۱، ۶۷).

مخالفان انتشار آزاد اطلاعات به گونه‌ای دیگر نیز می‌توانند آن را ناقض حاکمیت تلقی کنند و آن در صورتی است که این انتشار اطلاعات از طریق فن‌آوری نوین ارتباطات به ویژه ماهواره و اینترنت صورت گیرد. ارسال سیگنال‌های ارتباطی در این فرایند، از طریق فضا صورت می‌گیرد و در باره حاکمیت بر فضا دو نظریه عمومی فرانسوی - انگلیسی وجود دارد. بر اساس نظریه فرانسوی، هوا و فضا به طور کلی آزاد بوده و هر دولتی می‌تواند آزادانه در آن رفت و آمد کند. بر خلاف آن، نظریه انگلیسی است که بر اساس آن، یک دولت حاکم بر هوا و فضای خود است و عبور دیگران تنها با اجازه آن دولت امکان‌پذیر است به استثنای هوا و فضای بالای دریای آزاد و مباحات بین‌المللی (شاو، ۱۹۹۱، ۳۱۴). با این حال، به نظر می‌رسد حاکمیت فضایی کشور فاقد جایگاه حقوقی است و نمی‌تواند مستند به آن، مانع انتشار آزاد اطلاعات شد؛ چرا که درست است که حاکمیت شامل حاکمیت هوایی یک کشور هم می‌شود اما این حاکمیت محدود بوده و وضع کنوانسیون و معاهدات متعدد بین‌المللی درباره حقوق فضا حاکی از آزادی فضا و اختصاص نیافتن آن به صورت تحت حاکمیت یک کشور است. منشور فضای ماورای جو (۱۹۶۷) قطع‌نامه ۱۷۲۱ مجمع عمومی (۱۹۶۱)، قطع‌نامه ۱۹۶۳ مجمع عمومی (۱۹۶۳) و مانند آن جملگی بر آزادی فضا تصریح کرده‌اند. مبتنی بر همین دیدگاه بود که شوروی سابق طرحی را به کمیته فرعی حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه داد که مطابق بند ۵ آن هر گونه تبلیغات

ابزارگرایی بیرون آییم.» (ون لون، ۱۳۸۸، ۲۳). از دیدگاه پیروان این نظریه، فناوری، جامعه را هدایت نمی‌کند بلکه جامعه است که فناوری را کنترل می‌کند. به عبارت دیگر فناوری زاینده جامعه است نه جامعه زاینده فناوری.

در اینکه گاه جریان آزاد اطلاعات با حاکمیت ملی اصطکاک و برخوردهایی دارد، تردیدی نیست ولی در این باره از سوی مخالفان نوعی اغراق نیز وجود دارد. قضاوت اعضای ۱۶ نفری کمیسیون مک‌براید که از کشورهای گوناگون در گستره متفاوت جغرافیایی انتخاب شده‌اند، بی‌طرفانه‌ترین داوری در این باره است. به عنوان مثال در بعد فرهنگی این گزارش آمده است: «زمانی که از هویت فرهنگی بحث می‌شود، باید تا حد لازم احتیاط نشان داد و بررسی بیش‌تر درباره این مسئله بسیار مفید می‌باشد. باید به یاد آورد که غیر از چند استثنای تاریخی، شخصیت ویژه یک ملت، همواره از طریق جذب برخی تأثیرات خارجی شکل گرفته است. هویت فرهنگی، نه از راه خودداری از سهم شدن در فرهنگ دیگران بلکه از طریق اشتیاق به سهم شدن در آن غنی می‌شود و ارتباط‌گران و مربیان باید به هوش باشند که تمایلات شوونیستی را در قالب شور و هیجان اشتباه هویت فرهنگی، القا نکنند به دلیل اینکه ارتباط، به اندازه تأثیری که بر فرهنگ دارد، جزئی از آن نیز به شمار می‌رود. نظام‌های ارتباطی اگر رسوم سنتی و نیز رسانه‌های جمعی را انسجام دهند، می‌توانند به تقویت یک فرهنگ ملی مترقی کمک کنند. شواهد کافی در افریقا، آسیا و خاورمیانه وجود دارد که

ارسالی از طریق فضا ممنوع بود و براساس بند ۶ آن، ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای به کشورهای دیگر، منوط بر اخذ اجازه از آنان می‌شد که البته با مخالفت امریکا و برخی کشورهای دیگر مواجه شد و به نتیجه‌ای نرسید.

۵-۶. حل تزاخم جریان آزاد اطلاعات با حاکمیت

۵-۶-۱. حل تزاخم از طریق تلفیق دو دیدگاه جبرگرایی فناوری و ساخت‌گرایی اجتماعی

به نظر می‌رسد تأکید بر نقض حاکمیت توسط جریان آزاد اطلاعات ناشی از تمرکز صرف بر «نظریه جبرگرایی فناوری» برگرفته از دیدگاه‌های افرادی چون تورستین وبلن است که «پدیده‌های اجتماعی و تاریخی را بر اساس یک عامل اصلی تعیین‌کننده (تکنولوژی) توضیح می‌دهد و معتقد به تقدم علی و تاریخی تکنولوژی در تحولات اجتماعی است.» (امیدعلی و حسینی، ۱۳۹۱، ۲۹). جبرگرایان با شخصیت بخشیدن به فناوری معتقدند: با اینکه فناوری ابتدا توسط بشر ایجاد شده است، اما به تدریج از کنترل انسان خارج شده و مسیر دلخواه خودش را می‌پیماید و آنچه بخواهد با زندگی انسان می‌کند (ابردیک، ۱۹۹۰، ۷۰). در حالی که مطابق نظریه «ساخت‌گرایی اجتماعی» و آنگونه که «یوست ون لون» می‌گوید: «نمی‌توان به ماهیت هیچ تکنولوژی پی برد مگر اینکه به زمینه تاریخی پیدایش آن توجه داشته باشیم. تأکید بر شکل رسانه‌ها در متن تاریخی، به ما این امکان را می‌دهد که از بن بست جبرگرایی تکنولوژیک و

نشان می‌دهد این امر نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه برای تأمین اثربخشی کلیه‌ی شکل‌های ارتباط، چه کهن و چه تازه امری ضروری است.» (مک‌براید، ۱۳۷۵، ۱۳۴-۱۳۶). بنابراین، نباید فناوری اطلاعات را چنان قدرتمند جلوه داد که جامعه را زاییده آن دانست و نباید آن را چنان نحیف انگاشت که فاقد تأثیر بر جامعه دانست. نیازهای بشر به انتقال سریع اطلاعات، وی را به سمت اختراعاتی نظیر ماهواره و اینترنت سوق می‌دهد و فناوری‌های مزبور، به طور نسبی بر ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن را در یک جامعه اثر می‌گذارد. این اثرگذاری نباید به گونه‌ای تفسیر شود که منجر به مقاومت سرسختانه در برابر «انتشار آزاد اطلاعات» از طریق فناوری شود.

۵-۶-۲. حل تزاخم در مرحله تحقق حق

تزاخم میان انتشار آزاد اطلاعات و حاکمیت را در مرحله تحقق حق را می‌توان به طرق مختلف از میان برداشت. نخست آنکه انتشار آزاد اطلاعات به وسیله فن‌آوری نوین ارتباطات و استفاده از فضای ماروای جو بدین منظور را نمی‌توان نقض حاکمیت دانست؛ زیرا حقیقت این است که حاکمیت بر فضا در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نشده است. استفاده بسیاری از کشورها از فضای ماروای جو و عدم اعتراض سایر کشورها هر چند این اعتراضات ناشی از عدم توانایی آنان در استفاده از فضا بوده و لزوماً به معنای رضایت آنان نباشد، حقوق بین‌الملل عمومی را به این سمت سوق داد که نهایتاً بپذیرد استفاده از فضا، آزاد بوده و تحت حاکمیت و

مالکیت شخص، دولت یا هیچ سازمانی نیست (زمانی، ۱۳۸۰، ۱۳؛ کدخدایی، ۱۳۸۰، ۱۰۴). کنوانسیون ۱۹۶۶ در باره اصول حاکم بر فعالیت کشورها در زمینه اکتشاف و استفاده از فضای ماروای جو شامل کره ماه و دیگر اجرام سماوی، موافقت‌نامه ۱۹۷۹ معروف به کنوانسیون ماه، قطع‌نامه ۱۷۲۱ مجمع عمومی در ۱۹۶۱، قطع‌نامه ۱۸۰۲ مجمع عمومی در ۱۹۶۲، قطع‌نامه ۱۹۳۶ مجمع عمومی در ۱۹۶۳، قطع‌نامه ۲۹۱۸ مجمع عمومی در ۱۹۷۲، معاهده ۱۹۶۷ فضا، معاهده ۱۹۷۷ بوگوتا و بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر جملگی بر عدم مالکیت و حاکمیت هیچ دوست یا سازمانی بر فضای ماروای جو تأکید می‌کنند. بنابراین، دولت‌ها از این زاویه نمی‌توانند با استناد به حاکمیت خود بر فضا انتشار اطلاعات از طریق استفاده از ماهواره و مانند آن را نقض حاکمیت تلقی نمایند و اساساً حاکمیت اختصاصی بر فضا ندارند تا در تزاخم با انتشار آزاد اطلاعات تلقی شود. دوم آنکه جریان آزاد اطلاعات را نمی‌توان تجاوز به حاکمیت دیگران قلمداد نمود؛ زیرا اولاً با دقت در مواد منشور سازمان ملل متحد و عباراتی مانند «منع توسل به زور»، «دفع اعمال تجاوزکارانه» و مانند آن چنین استنباط می‌شود که منظور از تجاوز، استفاده از زور در روابط میان دولت‌هاست. این برداشت به صراحت مورد تأیید ماده ۱ قطع‌نامه ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی در تعریف تجاوز است که تجاوز را عبارت از «کاربرد نیروی مسلح از سوی دولتی علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر» می‌داند. مواد ۲ و ۳

این قطعنامه نیز مواردی مانند: حمله توسط نیروهای مسلح، اشغال نظامی، محاصره با کمک نیروهای مسلح و مانند آن را از مصادیق تجاوز برشمرده است. این در حالی است که جریان آزادانه اطلاعات توسط فناوری‌های ارتباطی نه با مفهوم تجاوز سازگاری دارد و نه با مصادیق آن متناسب است. حتی برخی کسانی که بر این باور بودند که کارکرد فن‌آوری نوین ارتباطی می‌تواند تهدید بر صلح و امنیت جهانی تلقی شود، اما به صراحت بیان کرده‌اند که «علی‌الاصول، تحقق عمل تجاوز از طریق رسانه‌ها عملی نیست و مورد تجاوز، به عنوان یکی از موارد اخلال در صلح و امنیت بین‌المللی که قطعنامه تعریف تجاوز با با هدف تحکیم آن به تصویب رسیده، به گونه‌ای توصیف شده که تحقق آن، از طریق چگونگی به کار گیری فن‌آوری نوین ارتباطات مقدور نیست.» (شریف، ۱۳۸۰، ۲۴۱).

سوم آنکه حق انتشار آزاد اطلاعات حقی مطلق نیست بلکه در اسناد فراوانی از حقوق بین‌الملل بر ملاحظه حق حاکمیت کشورهای دیگر در فرایند جریان آزاد اطلاعات تأکید شده است و این بدان معناست که انتشار آزاد اطلاعات تنها در صورتی لباس حق بر تن می‌کند که ملاحظات مزبور را مراعات نماید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چند قطعنامه بر حمایت از حاکمیت ملی در جریان آزاد اطلاعات تأکید نموده است. به عنوان مثال در قطعنامه ۲۹۱۸ در سال ۱۹۷۲ بر حمایت از حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها تأکید نموده است. همچنین در قطعنامه ۱۹۸۶ مربوط به «اصول مربوط به سنجش از دور

زمین از طریق فضا» بر این موضوع تأکید نموده است که این گونه فعالیت‌ها باید به سود همه کشورها و براساس حقوق بین‌الملل در راستای احترام به حاکمیت کشورها و ملت‌های جهان بر منابع طبیعی متعلق به خود و احترام به حقوق و منافع کشورهای دیگر انجام پذیرد. به علاوه، قطعنامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی در سال ۱۹۶۵ موسوم به اعلامیه راجع به عدم پذیرش مداخله در امور داخلی کشورها، «هر نوع دخالت» مستقیم یا غیرمستقیم دولت‌ها در امور داخلی کشورهای دیگر را به هر دلیل که باشد، ممنوع دانسته است. قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی در سال ۱۹۷۰ در باره اصول حقوق بین‌الملل معروف به «قطعنامه روابط دوستانه» هر نوع فشار نظامی، سیاسی و اقتصادی را علیه استقلال سیاسی کشورهای دیگر ممنوع کرده است. چه این که منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها نیز که در سال ۱۹۷۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، فشارهای اقتصادی و سیاسی یا هر نوع فشار دیگر علیه حاکمیت دولت‌های دیگر ممنوع کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده «نیکاراگوئه و آمریکا» تأکید کرده است: اصل عدم مداخله در منشور ذکر نشده؛ چون منشور قصد بیان همه اصول حقوق بین‌الملل را نداشته است. به علاوه این اصل لازمه اصل تساوی حاکمیت دولت‌هاست. مطابق این پرونده: اصل عدم مداخله، کشور یا گروهی از کشورها را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دیگر کشورها ممنوع می‌سازد و دامنه امور داخلی یا خارجی را

اعم از امور فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌داند (کدخدایی، ۱۳۸۰، ۱۲۱). بنابراین، در جریان آزاد اطلاعات باید ملاحظات حاکمیتی کشورهای دیگر را در نظر گرفت و گرنه حق مزبور متحقق نشده و در این مرحله تزامم آن با حاکمیت مترفع می‌گردد.

چهارم آنکه حاکمیت کشورها مطلق نیست و یکی از قیود آن مداخلات بشردوستانه است و همانطور که برخی از نویسندگان حقوقی تصریح کرده‌اند، تعهد کشورها به رعایت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه - خواه تعهد به تضمین باشد یا تعهد به ترغیب، یا مطابق دیدگاه تفکیک، اولی تعهد به ترغیب و دومی تعهد به تضمین باشد - راهایی دارد که یکی از آنها مداخله بشر دوستانه است که در حقوق بین‌الملل امری مقبول و پذیرفتنی است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷، ۴۸۵). بنابراین، درست است که اصل حاکمیت و عدم مداخله در امور دیگران در بسیاری از اسناد حقوق بین‌الملل به ویژه در اسنادی که بر جریان آزاد اطلاعات تصریح نموده، مورد تأکید واقع شده است ولی حقیقت این است که همانطور که حق انتشار آزاد اطلاعات مطلق نیست، اصولی چون حاکمیت و عدم مداخله در امور دیگران و مانند آن نیز عمومیت و اطلاق ندارند و گرنه هر کشوری با استناد به حق حاکمیت و نیز اصل عدم مداخله در امور دیگران می‌توانست جنایت علیه بشریت را در کشور خود انجام دهد و به پشتوانه اصول مزبور مانع دخالت بشردوستانه سازمان‌ها و کشورهای دیگر شود. به عبارت دیگر حقوق اساسی بشر و حقوق بشردوستانه دو نهاد

حقوقی هستند که مربوط به وجدان جامعه جهانی بوده و کشورها متعهدند آن را رعایت نمایند. به عنوان مثال دولت میانمار که در سپتامبر ۲۰۱۷ به شدت مرتکب نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه نسبت به مسلمان ساکن در روهینگیا شد، نمی‌تواند به بهانه ممنوعیت دخالت در امور داخلی دیگران، مانع انتشار اطلاعات مربوط به آن شود؛ زیرا اینگونه امور نه تنها از شمول و اطلاق اصل مزبور خارج است بلکه وظیفه تمام تابعان حقوق بین‌الملل و حتی نهادهای غیردولتی است که در این زمینه به انتشار اطلاعات اقدام نمایند تا واکنش جامعه جهانی را برانگیزد. بنابراین، با مشروط نمودن «حاکمیت» و «منع مداخله در امور دیگران» به مراعات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌توان تزامم آن را با حق «انتشار آزاد اطلاعات» در زمینه مزبور مترفع نمود.

۶. نتیجه

جریان آزاد اطلاعات؛ خواه در بعد دسترسی به اطلاعات یا انتشار آزاد اطلاعات با موانعی روبه‌روست در واقع، نوعی تزامم در مقام اجراست. حق «دسترسی آزاد به اطلاعات» در تزامم با حق «مالکیت بر اطلاعات» است. که برای رفع این تزامم می‌توان از طرق مختلف اقدام نمود. رفع تزامم در مرحله تحقق یکی از راه‌های حل تنافی این دو حق است. مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران، مقتضیات عادلانه اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی و نیز عدم مخالفت با اهداف و اصول ملل متحد از جمله این شرایط است که با عدم

بلکه انتشار اطلاعات مربوط به این دو از جمله وظایف تابعان حقوق بین‌الملل و نهادهای غیردولتی است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

مراعات آن‌ها، اساساً حق مزبور مرحله تحقق منتهی نمی‌شود تا سخن از تعارض یا تزامم آن با مالکیت بر اطلاعات به میان آید. راه‌حل دیگر این است که اگر تزامم به مرحله اجرا منتهی شد، مراجعه به اصول حقوق طبیعی راه‌گشاست خرد فراگیر مستلزم این است که هر فرد، اصرار به حق مختص خویش را فدای حقوق عامه نموده، از حقوق طبیعی خویش فراتر رفته و به آن کیفیت اجتماع انسانی دهد؛

از هر دو نظریه «جبرگرایی تکنولوژی» و «ساخت‌گرایی اجتماعی» باید عبور کرد؛ عبور از دو نظریه مزبور بدین معناست که هیچ کدام از این دو دیدگاه به تنهایی برای حل تزامم جریان آزاد اطلاعات با حاکمیت راهگشا نیست.

ابتدا با استناد به اسنادی که حاکمیت اختصاصی بر فضا را منتفی دانسته‌اند، نقض حاکمیت در فرایند انتشار اطلاعات از طریق فن‌آوری‌های نوین ارتباطی مانند ماهواره و در نتیجه تعارض انتشار آزاد اطلاعات با حاکمیت منتفی خواهد شد. انتشار آزاد اطلاعات ممکن است حاکمیت را تهدید کند اما مطابق مقررات حقوق بین‌الملل نمی‌توان آن را تجاوز تلقی نمود. حق انتشار آزاد اطلاعات را نباید حق مطلق پنداشت بلکه مشروط به شرایطی است که از قضا مطابق برخی اسناد بین‌المللی مراعات حاکمیت دولت‌ها از جمله آن شروط است. حاکمیت نیز حقی مطلق نیست، بلکه مشروط به مراعات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. انتشار اطلاعات، نه تنها منافات با حاکمیت نبوده و نه تنها دخالت در امور داخلی دیگران تلقی نمی‌شود

منابع

- اخوان زنجانی، داریوش، «ارتباطات و روابط بین‌الملل»، مجله نامه فرهنگ، شماره نوزدهم، ۱۳۷۴.
- العوینی، محمدعلی، امپریالیسم تبلیغی یا تبلیغات بین‌المللی، چاپ اول، ترجمه محمد سپهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
- امیدعلی، میثم، حسینی، سید حسن، «مروری انتقادی بر مهم‌ترین نظریه‌های تکنولوژی رسانه»، مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره دو، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- پیر سالیانجر، اریک لوران، جنگ خلیج فارس، پرونده محرمانه، ترجمه: موسی احمدزاده، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- حبیبی مجنده، محمد، «حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه مالکیت فکری، ۱۳۹۵.
- حکیم، سید محمد سعید، موسسه المنار، الطبعه الاولى، جلد ششم، ۱۴۱۴.
- خلفی، مسلم، حقوق ماهواره، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۱.
- زمانی، سید قاسم، تسخیر فضا به وسیله ماهواره‌ها از دیدگاه حقوق بین‌الملل، چاپ اول، منتشر شده در «حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم ماهواره‌ای»، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، سروش، ۱۳۸۰.
- شریف، محمد، تأملاتی در باب فن‌آوری نوین ارتباطات، صلح جهانی و سازمان ملل متحد، چاپ اول، مندرج در «حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم ماهواره‌ای»، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- صدر، محمد باقر، الحلقه الثالثه فی اسلوبها الثانی، شارح باقر ایروانی، جلد چهارم، قم، محبین، ۱۴۱۶.
- عبادیان، محمود، حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی و حقوق بشر، مندرج در «مبانی نظری حقوق بشر» مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، دانشگاه مفید، ۱۳۸۲.
- قربان‌نیا، ناصر، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، چاپ اول، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- کاستلر، مانوئل، عصر اطلاعات: پایان هزاره، ترجمه احمد علیقلیان، و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.
- کاظمی خراسانی، محمدعلی، فواید الاصول، جلد اول، موسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
- کدخدایی، عباس‌علی، اصول حقوقی حاکم بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، جلد اول، چاپ اول، مندرج در کتاب: «حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای»، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش، ۱۳۸۰.

- MURITY, B.S., The International Law of Propaganda, The Ideological Instrument and World Public Order, London, Martinus Nijhoff Publishers, 1989.
- Oberdiek, Hans, "Technology: Autonomous or Nneutral", International Studies in Philosophy of Science, Vol. 4, No. 1, 1990.
- Shaw. M., International Law, 3rd edition, Grotius Publisher, Cambridge, 1991.
- Thomas Habes, Leviathan, Penguin Classics, 1983.

پایگاه‌های اینترنتی

- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show>, retrieved on: 10/09/2022.
- <http://www.mahsamip.ir/dmatlab.html?i=OH>, retrieved on: 10/09/2022.
- <https://iran.un.org/fa/25935-alamyh-jhany-hqwq-bshr>, retrieved on: 10/09/2022.
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show>, retrived on: 10/09.2022.
- [https://documents-dds-PDF/G1609512.pdf?](https://documents-dds-PDF/G1609512.pdf) retrived on: 22/07/2019.
- <https://documents-dds-ny.un.org>,retrieved on: 22/07/2019.
- <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UND> retrieved on: 22/07/2019.
- <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1>, retrieved on: 27/06/2019.
- <https://www.itu.int/net/wsis/basic/about.html>, retrieved on 22/ 06/2019.

- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، جلد اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۵.

- مک‌براید، شن، یک جهان چندین صدا-ارتباطات در جامعه امروز و فردا، چاپ دوم، ترجمه ایرج پاد، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

- مولانا، حمید، «ماهواره‌ها و گوناگونی جهان»، فصلنامه پژوهش و سنجش؛ ویژه ماهواره، دوره نه، شماره سی‌ام و سی و یکم، ۱۳۸۱.

- مولانا، حمید، جریان بین‌المللی اطلاعات-گزارش و تحلیل جهانی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.

- ون لون، یوست، تکنولوژی رسانه‌ای از منظر انتقادی، ترجمه احد علی‌قلیان، تهران، همشهری، ۱۳۸۸.

منابع لاتین

- Considine, John, "Direct mail: Can it work for religious Organizations?" journal of direct marketing, 1994.
- Department of Public Information, Basic Facts about the United Nations", New York, Published by the United Nations Department of Public Information, 2004.
- Manfred, Lachs, International Law: Achievements and Prospects, Mohammed Bedjaoui: General Editor; London, UNESCO-Paris, Martinus Nijhoff publishers-Dordrecht, 1997.